

# ضرورت نقد قدرت در سطح ملی و بین المللی



محاصره است. سید محمد خاتمی، پس از سال‌های مدید که مصادر امور این مملکت شعار «نه شرقی، نه غربی» می‌دادند، به دلیل همین ضعف، در سطح بین‌المللی به سیاست تنش‌زدایی و «گفت‌وگوی تمدن‌ها» روی آورد. قدرتمندان جهان، البته به این شعار اعتنایی نکردند، چرا که حنای خاتمی برای هم‌وطنان خود رنگی نداشت، چه برسد برای جهانیان. در ایران در سطح ملی، وفاق و آشتی و گفت‌وگو و ائتلافی نه‌تنها میان «خودی‌ها» و «غیرخودی‌ها» بلکه حتا میان جناح‌های درونی حاکمیت هم رخ نداد. چنین بود که درخت اصلاحات و «گفت‌وگوی تمدن‌ها» به‌بار نشست و در عوض فشار امریکا بر ایران بویژه در پرونده‌ی هسته‌ای بیش‌تر شد و هم‌چنان ادامه دارد.

در سطح محلی هم، نقد قدرت و اعتراض به نقض حقوق و آزادی‌های سیاسی و اجتماعی واجب است. برای مثال، وقتی هواپیمایی با چهارصد / پانصد نفر مسافر ایرانی نیمه‌شب در فرودگاه مهرآباد به زمین می‌نشینند، آن‌گاه که مدیر و سردبیر ماهنامه‌ی را از صف دراز مسافران بیرون می‌کشند و گذرنامه‌اش را از او می‌گیرند، چرا دیگر مسافران با جامه‌دان‌های بزرگ به خانه و کاشانه می‌روند و هیچ کدام‌شان، حتا به نیم‌نگاهی - اگر نه به اعتراضی و قه‌ری - از کسی که سرمایه‌اش قلم و اندیشه است، دفاع نمی‌کنند؟ چرا حتا یک نفر حاضر نیست محترمانه بپرسد گناه این کس چیست؟ ما می‌پذیریم که برای کار فرهنگی و مطبوعاتی باید تاوان داد. نویسنده و روزنامه‌نگار است که با قید جلب برای تفهیم اتهام! به دادسرای احضار می‌کنند و به «مصاحبه» اش فرا می‌خوانند و از او زهر چشم می‌گیرند. اما آیا دیگر ایرانیان، دیگر رهروان راه شرف و آزادی، دیگر دوستداران دموکراسی و آزادی کج‌ایند؟ چرا از مطبوعات خودشان به هیچ نوع حمایت نمی‌کنند؟ سردبیر حافظ را به دادسرا خواندند، من قانون‌پذیر با وکیل خودم به بازپرسی رفتم؛ اما بازپرسی شعبه‌ی ششم دادسرای کارکنان دولت و رسانه‌ها، در پرونده‌ی دیگر، حکم جلب! وکیل مرا صادر کرده بود و من کفالت او را کردم! من با قبول کفالت دکتر نعمت احمدی در دادسرا و با گزارش این تجربه‌ی شخصی در سرمقاله‌ی حافظ، سوءاستفاده‌ی را که از قوه‌ی قضاییه برای ارباب اهل قلم و فرهنگ می‌شود، محکوم می‌کنم و از شما خوانندگان بیدار دل و صاحب‌درد می‌خواهم با قلم و قدم خود، ما را در نقد قدرت، در دفاع از دموکراسی، انتخابات آزاد و آزادی‌های سیاسی و اجتماعی براساس اعلامیه‌ی جهانی حقوق بشر همگام و همراه و یاور باشید.

با آرزوی سرفرازی ایران - حسن امین ■

□ قدرت، فساد می‌آورد و قدرت مطلق، همه‌ی کارها را خراب و فاسد می‌کند. نقد قدرت، نظارت بر قدرت و ایستادگی در برابر قدرت در همه‌ی سطوح، سودمند بلکه واجب است. مولوی می‌گوید:  
حرف حق آن به که آید بر زبان

زان که حق باشد جهان را پاسبان  
حق‌گویی و حق‌جویی، حق و تکلیف ماست! همه‌ی ما باید به رعایت انصاف و عدالت، ملتزم باشیم. در درون و برون حوزه‌های خانوادگی، شغلی، اجتماعی، سیاسی از خودمحوری و انحصارطلبی پرهیزیم و با هر گرایش فرهنگی، ضمن قبول اصول کثرت‌گرایی و احترام به حقوق دیگران، به نقد قدرت بپردازیم.

تامس جفرسون (از پیشوایان فکری امریکا) که بر ضد استعمار انگلیس جنگید و در ۱۷۷۶ رییس کمیته‌ی اعلامیه‌ی استقلال امریکا بود و بعد سومین رییس جمهوری امریکا شد، گفته بود:  
«اگر قدرت را بدون مانع و رادع و سد محکم به‌دست مسیح بدهید، به فساد و ارتجاج و ظلم منتهی خواهد شد. گرفتن آزادی، آسان است، نگهداشتن آن مشکل. آزادی را باید به قیمت جان‌باختن حفظ کرد.»

مارتین لوتر کینگ (از رهبران جنبش حقوق مدنی سیاه‌پوستان امریکا) نیز گفته بود که: «زندگی ما روزی پایان می‌یابد که در برابر مسایل مهم اجتماعی، سکوت کنیم.» به عبارت دیگر، هر فرد یا ملتی که در برابر ستم، استبداد، فقر، فساد و تبعیض، خاموشی گزیند و سکوت اختیار کند، با این بی‌تفاوتی، مرگ معنوی و فرهنگی و سیاسی خود را اعلام کرده است!

نقد قدرت در سطح بین‌المللی، ملی و محلی ضروری است. در سطح جهانی، پس از فروپاشی شوروی، امریکا به قدرت مطلق تبدیل شده و فاسد شده است. به سازمان ملل متحد و افکار عمومی مردم جهان اعتنایی ندارد. به هر کجا بخواهد، لشکرکشی می‌کند و از دخالت نظامی و به کارگرفتن ابزار خشونت، ابایی ندارد. روشنفکران و صلح‌طلبان جهان باید قدرت امریکا و سیاست‌های خارجی جرج واکر بوش را نقد کنند و عدم مشروعیت توسل به زور را فریاد زنند.

در سطح ملی، نقد قدرت البته واجب‌تر است. اساساً، داشتن حق رأی، حقوق شهروندی و آزادی بیان، مستلزم نقد قدرت است. کار ایران باید به‌دست ایرانی و در ایران به سامان رسد. امریکا که در سطح بین‌المللی زور می‌گوید، در سطح ملی به دلیل نهادینه‌شدن ماهیت عقلانی قانون اساسی خود و قانونمند بودن نظام دموکراتیک خود نمی‌تواند به شهروندان خود زور بگوید. ایران به‌عکس امریکا، در سطح بین‌المللی ضعیف بلکه از شمال و جنوب و شرق و غرب در